



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۲۸

استاد اسحاق نگارگر

یکی نیست برای من بگوید که ترا با این کنجکاوای ها چه کار؟

دیشب سرفه های پیهم مجال خوابیدن را از من گرفته بود و فکر پاشان من درکوچه های آشفته فکری سیر میکرد و هر لحظه از من چیزی تازه می پرسید و غالباً یک پرسش با پرسش دیگر هیچ گونه رابطه منطقی نداشت. باخود گفتم: «مبادا تب داشته باشم و این پرسش های با همدیگر بی ارتباط ناشی از نوعی هذیان تب باشد!» یکی از همین پرسش که ممکن درحالت عادی هرگز به فکرم خطور نمیکرد همین بود که: «بانوی اول یعنی چه و افغانستان چرا باید بانوی اول داشته باشد؟ من میدانستم که امریکا برای خانم رئیس جمهور یک لقب اعزازی و غیررسمی به نام «First Lady» دارد ولی آن مقام دارای هیچ گونه کرچ و کلاه رسمی نیست و در آن دیار که گویی در درختانش به جای برگ دالر می روید این بانوی اول دفتر خاص و مشاوران معاش بگیرند و حتی در بودیجه دولتی یک سنت هم برای مصارف دفتر بانوی اول اختصاص نداده اند. اما ما افغانها که دست شادیهای جنگل های هندوستان را در تقلید از دیگران بسته ایم ناگزیر با خود گفته ایم «حالا که امریکای ابر قدرت که روبه حيله گر عرصه سیاست است فرست لیدی دارد ما که «شیر» هستیم و دیگران در برابر هیبت و شجاعت ما لرزیده اند از امریکا چه کمی داریم که بانوی اول نداشته باشیم و به همین دلیل این مقام دفتردار و صاحب کرچ و کلاه را با مشاوران معاش بگیر ایجاد کردیم. فکرم عقبگردی در تاریخ کرد که برای چهل سال یک ظاهر شاه داشتیم و یک ملکه حمیرا که هر دو مانند دو سنگ سنگین بر برج عاج تاریخ ما نشسته بودند و خوشبختانه آن ملکه معظمه هم نه دفتری داشت و نه مشاور و هنگامی که کدام مهمان خارجی باهمسر خود هوای سفر در کشور ما میکرد نامی از ملکه حمیرا می شنیدیم و بس. از همین نقطه گذشته فکرم پروازی به سوی آینده کرد و با خود گفتم: «فرض کنیم که به گفته مزاری ها شیطان دهل را چپه نواخت و جناب محقق یا دوستم و یا یکی دیگر از رهبران که بیش از یک زن دارند به مقام ریاست جمهوری رسیدند آیا در همان روز اول ریاست جمهوری شان «انباقها» سیاه بخت و سفی دخت به جان هم نمی افتند و همدیگر را با چنگ و ناخن پرت و پوست نمی کنند و آیا آن شوهر «متعدد الزوجات» مجبور نخواهد شد که مقامی تازه به نام «سه نخست بانوی کشور» ایجاد کند و آیا این پایان کار خواهد بود و آن سه نخست بانو برای خود تقاضای دفترهای جداگانه و مشاوران جداگانه خواهند کرد و بر سر انتخاب بانوان مشاور خود و مشاوران خود را پرت و پوست خواهند کرد؟ تا همین جا رسیده بودم که تریاک همین فکر های واهی خواب به چشم آورد و در خواب دیدم که دونالد ترامپ متهم به یک واترگیت دوم گردیده است و از او سلب صلاحیت کرده اند و در یک انتخابات تازه هلری کلنتن رئیس جمهور گردیده و مشاوران خود را فراخوانده است تا برای شوهرش پل کلنتن مقام «First gentleman» را منظور کنند. آخر اگر خانم یک مرد پس از آن که شوهرش رئیس جمهور میشود به مقام بانوی اول میرسد در این دنیای مساوات زن و مرد شوهر مادر مُرده یک زن چه گناه کرده است که به مقام «آقای اول» نرسد. دیدم که این غربی های پولپرست و پولساز در بند این گونه تشریفات نیستند و این ما استیم که پول خیرات و گدایی را به شاخی باد میکنیم زیرا که خود پیدا گر پول نیستیم و نمیدانیم که یک کار گر امریکائی برای بیست دالر دو ساعت کمر خم می کند و پنج دالر را به دولت خود تکس میدهد و ما از همان پنج دالر تکس اوست که ساعت های رولکس بیست هزار دالری به بند دست می بندیم. با حمله دوم سرفه ها از خواب پریدم و با خود گفتم: «یکی نیست به من بگوید که ترا با این معقولیات چه کار؟» درست است که این معقولیات به من ربطی ندارد اما ما مردم عمل می کنیم ولی به عواقب آن التفات نه.

فاعتبروا یا اولی الابصار

نگارگر ۲۶ نومبر ۲۰۱۸ برمنگه